

سهم هند در پیشرفت زبان و ادب فارسی

پروفسور شریف حسین قاسمی

بر دوستان را به نعمت یاد کردن همت است وگرنه هرنخلی به پای خود ثمر می‌افکند این وظیفه خوش‌آیند بنده است که از مقامات ارشد انجمن آثار و مفاخر ایران، به ویژه رئیس این انجمن استاد گرامی و دانشمند محترم جناب آقای دکتر مهدی محقق و قائم مقام انجمن جناب آقای حسین شاکری از صمیم قلب تشکر کنم که برای اعطای این جایزه موقر، این دانشجوی حقیر و ناچیز را از هند انتخاب فرمودند. مستحضر هستم که قبل از بنده این جایزه به چند نفر استاد، محقق و ادیب فرهیخته فارسی از هند هم اعطا شده است. ما هندی‌ها در بابت این تجلیل از این دانشمندان هندی افتخار و اظهار شادمانی می‌کنیم و از دولت جمهوری اسلامی ایران و این انجمن تشکر می‌کنیم که از این طریق حق به حقدار رساندند. ایرانی‌های صاحب نظر، آن سهم شایسته و بی‌سابقه‌ای را که ما هندی‌ها در پیشرفت زبان و ادب فارسی دوران قرون وسطی یعنی از قرن سیزدهم میلادی تا حال حاضر، در ظرف هشت قرن طولانی داشته‌ایم، به درستی شناخته‌اند و از طرف کشور علم و ادب دوست ایران و فضلا و دانشمندان ایرانی مورد پسند و قدردانی قرار گرفته است، پس:

گوشه چشمی اگر ساقی به ما دارد بجاست عمرها در گوشه میخانه خدمت کرده‌ایم

روابط سیاسی، تجارتي، علمی، ادبی و فرهنگی مابین ایران و هند سابقه بسیار

♦ استاد و رئیس پیشین بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

سخنرانی پروفسور شریف حسین قاسمی که به مناسبت اعطای جایزه به ایشان از طرف انجمن آثار و مفاخر ایران در تالار مجلل آن انجمن در تهران ایراد گردید.

طولانی دارد و معروف‌تر از آن است که به شرح و بسط، نیازی داشته باشد. باز هم شگفتگی‌هایی که در اثر این روابط به ویژه در هند صورت گرفت، توجه دانشمندان و محققین را تاکنون به خود جلب می‌کنند. این موضوع تاکنون مطمح نظر تلاش‌های تحقیق آنها قرار می‌گیرد و سعی بر این است که ابعاد جدید و ناشناخته، در این زمینه به نحو بهتری شناخته شوند و از زاویه‌های مختلف انتقادی، ارزیابی و خدمت علاقمندان ارائه شوند. بنده فقط چند جنبه روابط پر افتخار ادبی و فرهنگی را به اختصار خدمت حضار دانشمند ارائه می‌دهم:

ما طفل کم سواد و سبق، قصه‌های دوست صد بار خوانده‌ای و دگر از سرگرفته‌ایم

هند به قول ایرانی‌ها، سرزمین پُر رمز و راز و حاصل‌خیز است که چه دسته گل‌های بوی‌ناک و معطری را در باغ همیشه بهارین شعر و ادب فارسی هدیه کرده است. هندی‌ها در زبان و ادب فارسی، بدون شک و تردیدی، شاگرد فارسی‌زبانان هستند و آنچه از اینها یاد گرفتند، آن را در بعضی موارد طبق ذوق و قریحه خود چنان شکل شایسته‌ای داده‌اند که خود فارسی‌زبانان آن را انصافاً سهم بزرگ و فراموش نشدنی هندی‌ها تلقی می‌کنند و از آن تقدیر می‌نمایند:

زهی کمال سخن پروران که تا محشر ذخیره هنر خویش را خداوندند

نباید از یاد برد که مردمان سرزمین هند در روزگار طلایی فرهنگ و زبان فارسی گام‌هایی بس جدی و ارزنده برداشتند که خود نشانگر نفوذ زبان و شعر و ادب فارسی در عمق جان این مردم آگاه بوده است.

در بعضی زمینه‌ها، به دلایل گوناگون، از جمله نیازهای خود، کارهایی را انجام دادیم که در آنها پیش قدم هستیم و دیگران ناگزیر شدند از آنها استفاده و پیروی کنند. تذکره‌نگاری، فرهنگ‌نویسی، انشا، نقد ادبی اصولی، داستان‌نویسی، ملفوظات عرفا و مشایخ، ترجمه و نقل آثار زمان‌های مختلف هندی به فارسی از جمله انواع و اصناف ادبی هستند که نشانگر تلاش‌های شایسته تقدیر ما در ادبیات فارسی است و مورخین و منتقدین ادب فارسی در آثار مربوطه خودشان اشاره‌هایی به این سهم هند نموده‌اند و بقول نظیری نشابوری:

همان عشق است بر خود بسته چندین داستان ورنه

کسی بر معنی یک حرف، صد دفتر نمی‌سازد

افزون بر این، ما فقط پیرو ساده‌کار آثار استادان خود یعنی فارسی‌زبانان نبوده‌ایم بلکه توانسته‌ایم افق‌های جدیدی را کشف کنیم و شعر و نثر فارسی را، چنانکه عرض کردم، به ذوق و قریحه و استعداد و نبوغ و نیاز خود رنگ و روحیه تازه‌ای بدهیم. همین ابداع ما، سبک هندی خوانده می‌شود. ضمناً باید به این امر هم اشاره شود که خدمت‌هایی که هندی‌ها به زبان و ادب فارسی در روزگار طلایی فرهنگ و زبان فارسی در کشور خود انجام داده‌اند، تا هنوز و همیشه در یادها و خاطره‌ها خواهد ماند. در این باب حضور ارجمند ادیبان و شاعران و سخنوران سرزمین فارسی نیز همواره مایه مباهات و برکت بوده و هست.

از روزی که فارسی‌زبانان با استقرار حکومت مملوک‌ها در هند در سال ۱۲۰۶ م وارد این کشور شدند و هند را که درباره آن از طریق تاریخ هم بستگی هند با جهان فارسی و تراجم چند کتاب هندی به عربی و فارسی به ویژه پنج‌تترا و بازی شطرنج آشنایی پیدا کرده بودند، از نزدیکی به چشم خودشان دیدند و برای سکونت دائمی انتخاب کردند، به بازشناسی مزید و همه جانبه این کشور پرداختند. روایات حسنه فرهنگی هند را تقدیر کردند و آنها را با همین گونه روایات خود درآمیخته در زندگی روزمره خود پیاده کردند. افزون بر این فارسی‌زبانان اقدامی دیگر که در این راستا برداشتند و آن شایسته ذکر و تجلیل است، تقریباً همه آثار اساسی مذهبی، فرهنگی، ادبی و علمی هند را که به زبان‌های مختلف این کشور در طول تاریخ به ویژه به سانسکریت به نگارش آمده بودند، جامه زبان فارسی پوشانیدند. هدف اساسی این اقدام، اول رفع تشنگی برای کسب علم و دانش و دوم آشنایی نزدیکی و کلی با تاریخ، ادیان، عقاید، فرهنگ‌ها و علوم هندی بود که حالا همه اینها از آن خود آنها شده بود و چو بو با هر گل این باغ، جان آنها پیوند خورده بود.

چو بو با هر گل این باغ پیوند است جانم را ز شاخ از باغبان آهسته بردار آشیانم را
شایسته ذکر است که بعضی تراجم فارسی آثار هندی موجب معرفی اصل آثار هندی در جهان علم و ادب شدند. همچنین اصل بعضی کتاب‌های سانسکریت و هندی

حالا مفقودالاثرا هستند ولی تراجم آنها حفظ شدند و در دسترس ما قرار دارند و باعث تشکیل تاریخ ادب سانسکریت و هندی می‌باشند.

بنده دو هزار و پانصد و هفده نسخه خطی و چاپی این گونه تراجم را در ذخایر علمی جهانی پیدا کرده‌ام. بدیهی است که این فهرست نهایی نیست و نمی‌تواند باشد زیرا که می‌دانم کتابخانه‌های رسمی و شخصی وجود دارند که نسخ خطی فارسی نگهداری می‌کنند و امکان دارد نسخ این نوع تراجم هم آنجا وجود داشته باشند و بنده به دلایل مختلف نتوانستم به آنها دسترسی داشته باشم. باز هم این حجم بزرگ تراجم به فارسی، ترجمان موفقیت شایان نهضت ترجمه آثار هندی به هر دو نظم و نثر فارسی، وسعت قلبی و نظری و روشن‌فکری فارسی زبان در هند نسبت به شئون مذهبی و فرهنگی دیگران است. مگر این، یکی از نشان‌های فرهنگ و تمدن عظیم انسانی نیست که فارسی زبانان و فرهنگ فارسی علم‌بردار آن است.

این تراجم فارسی به طور اتفاقی به وجود نیامدند. همچنین گرایش ادبی آن زمان برای انتقال باورها، اندیشه‌ها و اعمال دینی هندوها به زبان فارسی محض تفریح طبع نبود، بلکه هدف نجیب‌تر و مفیدتر انسانی داشته و آن به وجود آوردن فضای تفاهم و هماهنگی میان طبقات مختلف هند بود. این پیوندهای همدردی که در میان عموم مردم هند گسترش یافت، نتایجی ارزشمند و دیرپا را به بارآورد و منجر به ایجاد و پیشرفت فرهنگی جدید بشرگرایی و انسان دوستی شد که ما هندی‌ها آن را فرهنگ مشترک و یا بقول معروف گنگا جمنی تهذیب می‌خوانیم و آن را بزرگ‌ترین سهم هند در تاریخ انسان و حیات بشری حساب می‌کنیم و رنگ و بوی آن در سراسر هند چشم را می‌نوازد و مسام را تازگی می‌بخشد و عظمت هند، امروز تا حد زیادی به آن است:

تو مپندار که این قصه به خود می‌گوییم گوش نزدیک لبم آر که آوازی هست

افزون بر این، کارهای دوستی و اداری دوران رواج فارسی هند نظم و انضباط خاصی داده شد. فارسی زبانان واژه‌های فارسی برای شغل‌ها به کار می‌بردند که برخی از آنها تاکنون رایج‌اند. در این زمینه نفوذ شگفت‌آور در دادگاه‌های هند دیده می‌شود. برای تصفیة مناقشات مختلف تاکنون به عدالت می‌روند، دیوانی، فوجداری، مقدمه‌بازی، بیع‌نامه، وکیل، پیشی (حضور در دادگاه) جرح، گواه، منصف، فیصله

واژه‌های فارسی است که هم اکنون به کار برده می‌شوند. در ارتش و پولیس هند دیوان، داروغه، حَوَل‌دار، جمادار (جماعت‌دار)، صوبه‌دار از جمله سِمَت‌هایی است که وجود دارند. توپ، بندوق و بارود اصلاً فارسی هستند.

صوبه، ضلع، تحصیل و تحصیل‌دار واژه‌های فارسی است که برای کارهای اداری و کشورداری تاکنون استعمال می‌شوند. همچنین ما دفتر (اداره) داریم. آنجا صاحب (مقام ارشد) است. برای مرخصی عرضی می‌نویسیم برای خریداری جامه به بزاز می‌رویم. درزی لباس می‌دوزد. برای خریداری زیور آلات به صرافه می‌رویم و گلوبند و پازیب می‌خریم. توجه فرمودید که فارسی به طور قابل ملاحظه‌ای حتی در زندگی ما نفوذ و رخنه کرده است و این نتیجه آن گرم‌جوشی است که نسبت به جذب ارزش‌های قابل قبول فرهنگ انسان و انسانیت مدار نشان دادیم و آماده نیستیم از این وضع دست بردار شویم. در پایان سخن: اگر شاعر هندی، نظر به این جنب و جوش و سرگرمی در همه نوع داد و ستدها و سهم‌گذاری هندی‌ها در غنی ساختن تاریخ زبان و ادبیات فارسی و ظهور فرهنگ جدید ترکیبی که انصافاً آن را فرهنگ جهانی باید نامید، چنین سروده، تعلی و باعث تعجب نیست:

سپند آتش نازم، کسی نشنیده آوازم	اسیر چنگک بازم، هلاک چشم مخمورم
جنون حیرتم، آینه‌دار گلشن طورم	چمن پرورده عشقم، بهار خون منصورم
شرارم، شعله‌ام، داغم، کبابم، آتشم، جوشم	تپیدن‌های زخم اضطراب نبض رنجورم
دلهم، دردم، غمم، آزاد عشقم، بنده حسنم	نمک پرورده سبزان هندم، صد جهان شورم